

دستگاه دیپلماتی و سیاست کادری از کرسی تا غنی

«در دستگاه دیپلماتی کشور طی این سالها چه گذشت؟؟؟» نگاهی به بی کفایتی ها، تنظیم بازی ها، خویشخوری ها، زد و بندها، منطقه و محل پرستی ها، گروپ بندی ها و . . .

استاد (صبح)



عبدالله، رنگین دادفر سینتا، زلمی رسول و ضرار احمد و صلاح الدین ربانی که به عنوان وزیران خارجه در این ۱۳ سال ایفای وظیفه نموده و هر کدام در دوره های شان، نزدیکان خود را در وزارت خارجه مقرر کرده اند. اما غنی میگوید- افرادی که بر اساس واسطه و روابط شخصی در وزارت خارجه استخدام شده اند، برکنار خواهند شد. باید دست افرادی که بر اساس روابط شخصی تعیین شده اند از وزارت خارجه کوتاه شود. باید انحصار رهبری در ادارات دولتی شکستانده شود، تا استعداد های تازه بروز نماید. اخیراً وزارت خارجه یازده سفیر در کشورهای بیرونی و چهارده دیپلمات دیگر را بدلیل کهولت سن به تقاعد سوق داد.

گرگ ها مهمان چوپانند، در خواب است ده
برّه ها این را نمی دانند، در خواب است ده
گرگ آمد گرگ آمد، این دروغی کهنه است
گرگ ها در جلد انسانند، در خواب است ده
توبه پیش گرگ ها کرده دروغ کهنه را
گرگ ها هم اهل ایمانند، در خواب است ده
شب تمسخر می زند بر کوشش شب تاب ها
جغدها پیوسته می خوانند، در خواب است ده
وحشت از پشت نقاب دشت سوسو می زند
سایه ها از هم گریزانند، در خواب است ده
شیرها از ترس پنهانند پشت بوته ها

موش های ده نگهبانند، در خواب است ده
جام ها سُرخند از خون شقایق های دشت
زاغ ها ماه گلستانند، در خواب است ده
از امشب روز خوش را خواب باید دید و بس
روز ها شامِ غریبانند، در خواب است ده
خواب می بینی عزیزم این حوالی گرگ نیست
گرگ ها مهمان چوپانند، در خواب است ده.

کرزی، در جریان سیزده سال رهبری اش، نتوانست یک سیاست خارجی واضح برای حکومتش مطرح کند. او اغلب به طرف هند متمایل بود و شعار ضد پاکستانی می داد، به شمول این که پاکستان هدف اصلی جنگ علیه تروریزم است نه افغانستان. در عین زمان، او از پاکستان با صدای بلند دفاع می کرد و یکبار حتی هشدار داده بود که اگر جنگی بین امریکا و پاکستان در بگیرد، افغانستان از پاکستان حمایت خواهد کرد. سپس در اوایل ماه اکتوبر ۲۰۱۱، کرزی موافقت نامهی همکاری استراتژیک با هند را امضا کرد و باعث شد مقام های پاکستانی نگران شوند. رسمی ساختن رابطه ی استراتژیک هند و افغانستان، که در نوع خود سابقه نداشت، مقام های اردوی پاکستان را که باور دارند، هند قصد دارد از طریق افغانستان پاکستان را در تنگنا قرار دهد، نگران ساخت. کرزی، در سیاست خارجی اش، به ویژه در حفظ تعادل در روابط با پاکستان، هند و ایالات متحده نیز مانند سیاست داخلی اش تناقض گویی کرد.

افغانستان به رییس جمهوری نیاز دارد که روی تعامل دو جانبه متمرکز باشد و مطمئن شود که مطالبات تلافی شده اند. عدم موفقیت سیاست خارجی کرزی و وزارت خارجه، میتوان از لاینحل ماندن موضوع برگشت و یا تعیین سرنوشت مهاجرین در ایران، پاکستان، اندونزی، یونان . . .، قطع تجاوز و راکت بازی پاکستان، جلب و کمکهای فراوانی دول خارجی، مهار انجوها و دلالان بین المللی و سیاست موثر و مستقل خارجی طی این مدت اشاره نمود، مشکل عمده و اساسی تعیین سرنوشتی غربت نشینان بود که برای حلی این مشکل توجه قابل ملاحظه ی از طرف وزارت عودت مهاجرین، وزارت امور خارجه و سفارت خانه های افغانستان در کشورهای منطقه و فرامنطقوی، جایی که تعداد زیاد افغانان مهاجر زنده گی میکنند، صورت نگرفت.

سفارت خانه ها و نماینده گی های سیاسی و ادارات وزارت مهاجرین، که بررسی مشکلات مهاجرین جز وظیفه آنان می باشد، کاری را در زمینه انجام نداده اند، بلکه برعکس از مشکلات مهاجرین که در وضع دشواری قرار دارند به نفع شخصی خود استفاده نمودند.

اکثریت این مقامات کار و بار تجارتي در کشورهای خارجی دارند، و در نتیجه، به جای بهبود وضع مهاجرین، درباره تجارت و پیدا و پناه خود مصروف و مشغول هستند، که رئیس جمهور کرزی، از وضع آگاهی لازم نیز دارد. در تمام سفارتخانه ها مشتی از انسانهای بی مسولیت و استفاده جو که از بستگان و اقاربی قدرتمداران

دولت و یا به اساس تعلقات سیاسی با دبل عبدالله و رنگین داد فر سپینتا تقرر حاصل نموده اند. برای افغانستان عامل مهم سیاست خارجی سرمایه گذاری های بین المللی و حجم کمک های خارجی محسوب میشود. در پلان های کرزی، که او درباره آنها در هر محل و مکانی با قرقره صحبت نموده است، ایجاد شرایط برای سرمایه گذاری های وسیع در شهرهای بزرگ، با پیروی از مثال سنگاپور، شامل بود ولی تا به حال درین مورد مسوولیت پذیری وطنی و کار دلسوزانه صورت نگرفته است.

کمکهای نسبی که در کشور آمده از طریق بانک های خارجی به خارج منتقل گردید و در عین حال بخشی قابل ملاحظه دیگر آنها انجو ها به جیب زدند. متاسفانه بحران کنونی که شامل، تولید و ترافیک مواد مخدره، فساد اداری و رشوت، فعالیت طالبان، چور و چپاول جنگسالاران و کابینه بی کفایت و حضور نیروهای مسلح خارجی میگردد.

عمدتاً این بحران از جانب مقامات رهبری و مدیریت میشود و دولت و ملت را به چالش کشانده اند، تشویشی که امروز ملت را سراسیمه ساخته اینست، در صورت خروج نیروهای خارجی از کشور جنگ داخلی وسیع آغاز خواهد شد، که انعکاسات به مقیاس جهانی را دربر خواهد داشت.

ازین امر میتوان نتیجه گیری نمود، که حوصله مندی و زمان برای ساختن دولت قوی متمرکز، با اردو و پولیس موثر، به مساعدت کشورهای دیگر ضروری پنداشته می شد که متاسفانه دیگر از دست رفته است.

عبدالله ای عبدالله در مسند وزارت خارجه



با روی کار آمدن بظاهر حکومت وحدت ملی بار دیگر روی امیدواری های گرم آب یخ ریخته شد و در حکومتی که عبدالله سمت ریاست اجرائیه را دارد توقع برده نمیشود که آب از آب تکان بخورد. وی در زمان تصدی وزارت خارجه چه کرد تا در کرسی فعلی نماید.

عبدالله! عملکرد ضعیف و گروپ پرستانه در وزارت خارجه داشت که حتا کرزی با تمام مصلحت گرایی و روزگزرانی و بی کفایتی ناگذیر شد که وی را ازین وزارت سبکدوش نماید و تا اکنون وزارت خارجه درگیر اشخاص عقده مند و بی سواد و بی کفایتی است که وسیله وی به این اداره مقرر گردیده بود. و امروز اشرف غنی میخواهد با چنین یک کسی اداره خوب و کاری را در کشور بسازد، ما همه شاهد خواهیم بود و می بینیم که چه واقع میشود.

عبدالله طی مدت وزارتش با تخریب و ویران کردن زیرساخت های اداری و اصول کاری وزارت و جابجایی بدون حساب و کتاب دوستان و هم حزبی هایش در پست های گوناگون، از یک سو این وزارتخانه را به ناکارآمدی مطلق کشانید و از سوی دیگر این ناکارآمدی باعث شد سیاست خارجی افغانستان فاقد اعتبار و هویت و حتی از اصول و زیرساخت های اولیه اش در عرصه بین المللی تهی شود. در حالیکه درب وزارت خارجه بر روی افراد برخی از اقوام کاملا بسته ماند، از یک قوم و یک دره معین، تحصیل کرده، کم سواد، بی سواد، راننده و حتی دربانش پکول را به دور انداخته و نکتایی به گردن آویخته و به عنوان دیپلمات و نمایندگان سیاسی و دستگاه دیپلماسی افغانستان رهسپار کشورهای خارج شدند.

در اکثر کشورهای خارجی سفارتخانه های افغانستان به دلیل ترکیب قومی خاص و آشفتگی و نبود نظم و انضباط اداری به دفاتر احزاب جهادی بیشتر شباهت دارند تا نمایندگی سیاسی.

کارمندان و حتی سفرای افغانستان به دلیل نداشتن تحصیلات کافی و یا نداشتن تحصیلات درخور کار در وزارت خارجه، از عرف و مقررات دیپلماسی و حقوق بین الملل هیچ نمی دانند. این امر بیش از همه چیز منزلت و احترام افغانستان را نزد کشورهای میزبان به پایین ترین سطح تنزل داده است. مطابق یک قانون نانوشته اما پذیرفته شده بین المللی در همه کشورها انتخاب سفرا و کارداران سفارتخانه ها و کنسولگری ها بر مبنای تصمیم و هماهنگی مشترک وزارت خارجه و وزارت امنیت صورت می گیرد و بر این اساس سفارتخانه ها نه تنها نماینده سیاسی یک کشور محسوب می شوند، بلکه حافظ منافع امنیتی کشور نیز هستند. عدم اعمال کنترل امنیتی بر کارداران نمایندگی های سیاسی باعث شده است انواع فساد در این سفارتخانه گسترش یابد و کارمندان، سفارتخانه ها را به تجارتخانه های غیرقانونی تبدیل نمایند. خرید و فروش غیرقانونی پاسپورت، جعل و فروش اسناد تحصیلی، خرید و فروش بورس تحصیلی، رشوه ستانی از مراجعین در قبال انجام کارهای شان فسادهای رایج در سفارتخانه های افغانستان است.

سفارت افغانستان در تهران و کنسولگری افغانستان در مشهد می تواند یک نمونه عینی از این سفارتخانه ها باشد. به نظر می رسد هیچیک از کارمندان بخش های مختلف این دو نمایندگی که به دلیل وجود تعداد زیاد مهاجر در ایران همواره با تعداد زیادی مراجعه کننده نیز روبرو هست، از ادب و رفتار دیپلماتیک چیزی نمی دانند. آنان هرگز به این تصور نیستند که از سوی وزات خارجه برای راه اندازی کارهای قانونی و حل مشکلات مراجعه کنندگان در آنجا نشسته اند.

عبدالله با پررویی و دیده درایی هر زمانی که از سفر غرب باز میگشت از صلح، دموکراسی و مردم سالاری سخن میگوید، اما مردم ما فراموش نمیکنند که جنایات، چپاولگری ها، تجاوز بر ناموس مردم و دوزخ ساختن کشور بوسیله گروپ شورای نظار که عبدالله یکی از مهره ها بود.

همین خیانت تنظیم جمعیت بود که پاکستان زمینه را مساعد دیده طالبان را بر مردم ما تحمیل کردند. حتی رهبران عبدالله در ابتدا از طالبان حمایت کردند، ربانی آنان را فرشته های صلح نامید و احمد شاه مسعود با آنان به مذاکره نشست (در میدان شهر) و گفت اهداف ما و شما کاملاً یکیست. مردم ما هیچ زمانی از اداره فاسد و چپاولگر کنونی که امتحان داده اند به خوشبختی نخواهند رسید. این اداره زمانی میتواندست موفقانه عمل نماید و اعتماد مردم را جلب کند که انسانهای چپاولگر و خود فروخته مورد بازخواست و پیگرد قانونی قرار میگیرفت و از جانب دیگر مسوولیت ادارات دولتی بدست افراد صادق و خدمتگار وطن و مردم میبود.

رنگینی رنگین اسپنتا در دستگاه دیپلوماسی کشور



بعد از عبدالله داکتر اسپنتا امور وزارت خارجه را بدست گرفت و متأسفانه که نه تنها تابعیت دوم خود را از دست نداد و گفته میشد که حافظ منافع کشور المان در افغانستان و عده محدودی از مشاورین فاسد وی نیز افراد کارآمدی نبودند.

اسپنتا در ۱۰ می ۲۰۰۷ میلادی به دلیل آنچه ضعف در جلوگیری از اخراج مهاجرین از ایران خوانده شد، از سوی مجلس استیضاح شد. ۱۲۴ تن از نمایندگان علیه وی رای دادند که یک رای کمتر از حد نصاب برای سلب اعتماد بود. اما تعدادی از نمایندگان ادعا کردند که یک ورقه رای مثبت بوده ولی باطل اعلان شده است. مجلس نمایندگان دو روز بعد از آن برای بار دوم برای استیضاح وی صندوق رای گذاشت و ۱۴۱ رای منفی داد. با این حال، کرزی این فیصله را خلاف قانون اساسی و اصول وظایف داخلی مجلس دانست و رسماً از ستره محکمه تقاضای نظر شد.

بعد از گذشت دو هفته، ستره محکمه به نفع وزیر خارجه رای داد، زیرا اولاً دلیل موجهی برای استیضاح وزیر امور خارجه وجود نداشته است و این استیضاح مخالف قانون اساسی کشور شمرده می شود و دوم اینکه رای دوم

مجلس برای استیضاح غیر قانونی و بی اعتبار است، زیرا در مرتبه اول نمایندگان مخالف نتوانستند رای عدم اعتماد را به حد نصاب برسانند. اصولنامه وظایف داخلی مجلس نمایندگان، رای دوم را ممنوع نموده است. مجلس، علی رغم تصمیم ستره محکمه از موقف خود عدول نکرد و گفت که وزیر امور خارجه را برسمیت نمی شناسد.

با این حال، سپینتا عملاً به عنوان وزیر امور خارجه کار می نمود. اما پای در هوا. تصمیم ستره محکمه باعث شد تا شور و شوق مجلس برای استیضاح وزراء کاسته شود و پس از آن ولسی جرگه قبل از تقاضای استیضاح به دنبال دلایل موجه بوده است.

سپینتا از محدود چهره های که به کرزی نزدیک بود و در عملکردهای وی مستقیم و یا غیرمستقیم دخیل بوده و خیلی از مسوولیتها متوجه وی است، سپینتا از نظر فکری دارای استقراری کمی بوده و زود تصمیم میگیرد و همچنان سریع پشیمان میشود. در دوران سپینتا اکثریت کارمندان وزارت خارجه با زمینه سازی های گوناگون تعدادی از اعضای فامیل و اقارب نزدیک خویش را در بخش های مختلف این وزارت جابجا نموده تا بدینوسیله بتوانند از یکطرف به فامیل خویش ازین طریق مصدر خدمت شوند و از جانبی امور متعدد این وزارت را در کنترل و حیطه صلاحیت و قدرت خویش داشته باشند. بگونه نمونه میتوان از چند چهره در وزارت خارجه نام برد - مرادیان (هراتی)، فساد پیشه، پشتون ستیز و . . . رئیس مرکز مطالعات استراتژیک و قبلاً به حیث مشاور سپینتا که روابط تنگاتنگش و مهره بودن خویش را به مقامات ایرانی نیز بدین وسیله ثابت نمود و با تقررهای غیر عادلانه بی عدالتی بزرگ را مرتکب گردید.

یکی دیگر از این چهره ها بهین معاون اسبق ریاست آگسا که اصلاً کارمند نظامی که سند درست تحصیلی هم بدست نداشت به عنوان سخنگوی وزارت امور خارجه و به حیث سفیر افغانستان در کشور چین مقرر گردیده اند. همچنان تقرر رضا عظیمی پسر سخنگوی وزارت دفاع با اخذ معاش استثنایی به حیث مسوول تکنالوژی در حالیکه موصوف بر علاوه اینکه در این بخش وارد نبوده بلکه تمام سیستم (IT) وزارت را در هم و برهم ساخته کمپیوترها فعال گردید و ده ها مورد دیگر از بی کارگی وی در سیستم حاضری مامورین بصورت کمپیوتری و کارت هویت مامورین که بعد از چند مدت همه باطل گردید.

چهره دیگر پویش (هراتی) از اقارب نزدیک سپینتا بوده موصوف محصل پوهنچی و ترنری بود و بعد از ورود به وزارت به صفت مدیر منابع بشری و خدمات ملکی با اخذ معاش دالری در وزارت امور خارجه تقرر حاصل نمود که تقرر پویش صرفنظر از دو فاکت برارنده وی (هراتی بودن و قرابت با وزیر) بقیه خود سوال برانگیز است که یک محصل علوم و ترنری چگونه میتواند بدون داشتن تجربه و آشنایی با محیط و کارمندان وزارت در مورد جابجایی کادرهای وزارت امور خارجه در پست های دیپلوماتیک تصمیم گیری نموده و عادلانه عمل نماید در اثر سهل انگاری و بی تجربگی پویش با وجود سپری شدن بیشتر از دو ماه تشکیل وزارت ترتیب نگردیده و وزارت خارجه در نمایندگی های مقیم خارج به شمول مرکز از لحاظ کادری به کمبود مواجه بوده در حالیکه

تعداد کثیری از کارمندان واجد شرایط که از تجربه کافی برخوردار و معیاد معینه خدمت در مرکز را نیز سپری نموده بودند اما نسبت نداشتن واسطه و شناخت با مقامات عالیرتبه این وزارت در انتظار باقی ماندند. تقرر دختر غیرت هراتی مدیر انستیتیوت دیپلوماسی در ریاست سخنگو و سایر تقرره‌های دیگر بدون اخذ امتحان. چنین تقرره‌های سلیقوی به اساس شناخت شخصی، اثر رسوخ و واسطه بازی ملیت و زبان پرستی را میتوان از برگترین نارسایی، بی عدالتی، جفا و از جمله کارکردهای سپنتا و تیم آغشته به فساد وی در وزارت امور خارجه بر شمرد. کبیر فراهی خیلی ها را توسط اسپنتا به وزارت امور خارجه و سپردن مسؤولیت های بزرگی به آن سهم اعظمی داشت.

مثلاً رشد صمد خان

محسنی از اقارب فراهی جنرال قونسل در شهر کوئته کشور پاکستان مقرر گردید.

جیحون بحیث سفیر در آسترالیا که شهادتنامه های جعلی او ورد زبان هاست.

و هریز که قبلاً تاپیست در سفارت مسکو بود، بحیث مستشار مقرر شد.

رسولی که یکدم از بست دهم به بست اول مطالعات و استراتیژیک آمده و بعد مستشار سفارت لندن مقرر شد.

خانم ناهید به لندن

خانم حکیمه (مشعل) به کانادا

سادات قبلاً سکرتر محلی در مسکو بحیث مستشار به اوکراین

سیفی به بلغاریا اجیر محلی و سکرتر سوم و بعد دوم و بعد شارژدافیر و بعد هم سفیر شد.

زلمی رسول و رسالت کاری در وزارت خارجه



این یک امر پذیرفته شده است که اداره کننده سالم، راستکار، راستگوی و پای بند به قانون را مردم می پسندند. در همه جا رسم است تا افراد خوب به کار گماشته شوند که جامعه را بسوی خیر و فلاح بکشانند، و افراد محافظه کار و بی کفایت اشخاصی هستند که قانون را زیر پای میگذارند، آنرا توجیه غلط میکنند و مورد استفاده سوء قرار میدهند. بعبارت دیگر مشکل اصلی در نبود قانون نیست بلکه مشکل در عدم رعایت و تطبیق قانون است. بدون شک قوانین در ذات خود برتری ها و بهتری های نسبت به یکدیگر دارند، اما در مجموع هیچ قانون انسانها را تشویق به ظلم و تجاوز به حق دیگران نمیکند. شخصی که مدیریت يك اداره و یا موسسه را بعهده دارد باید

همه صفات ممتاز را نسبت به سائرین داشته باشد، باید در صفات ایمان، تقوی، دانش، عدالت، طهارت، راستی، وفاء، شجاعت، همت، مدیریت، قاطعیت، فصاحت، بلاغت، حکمت، درایت، شناخت و . . . حتی نسبت به همه افراد جامعه برتر باشد .

دولت داران باید با یک اخلاص و دید درست کسانی را انتخاب نمایند که اخلاق نیکو و اراده خدمت به مردم و وطن را داشته باشد. کرسی طی این سیزده سال ثابت ساخت که برای وطن و مردم و ادارات کشور دلش نمی سوخت و همیشه انسانهای ناکارآمد و ضعیف را می گماشت که ما درین مورد مثال های زیادی داریم، مانند- تقرر عبدالله، زلمی رسول سپنتا، ضرار عثمانی در وزارت خارجه، رحیم وردگ و بسم الله محمدی در وزارت دفاع، یونس قانونی در پستهای مختلف، ملا ها و نیمچه با سوادهای مدرسه ای را در ادارات مسلکی و اجتماعی که فغان مردم را به ملکوت کشاند، مخدوم رهین در وزارت اطلاعات و کلتور و تقریباً همه اعضای کابینه افراد بی کفایت، اختلاس گر و روز گزران گماشته شده بودند.

زلمی رسول در جنوری ۲۰۱۰ منحصت وزیر امور خارجه آرای ولسی جرگه را کسب نمود. او در جون ۲۰۰۲ مشاور امنیت ملی کرسی بود و همچنان در قسمت هماهنگ سازی فعالیت های امنیت و سیاست خارجی کشور کار می نمود. وی از ۲۰۰۱ بدین سو همراه با کرسی در اکثر محافل و مجالس حضور داشت. زلمی رسول قبل از پست مشاوره اش بحیث رییس هوا نوردی ملکی ایفای وظیفه می نمود. زلمی رسول متولد کابل از لیسه استقلال فارغ و تحصیلات را به پاریس ادامه داد. به لسان های دری، پشتو، انگلیسی، فرانسوی و ایتالیایی بلدیت دارد. لسان عربی را نیز می داند. وی شاید یکی از بی کفایت ترین وزرای خارجه افغانستان در طول تاریخ باشد.

در زمان وزارت زلمی رسول نمایندگی های سیاسی کشور بی آبروی ها و بی بند و باری های فراوان را از سر گذشتاند.

طیب جواد از سال ۲۰۰۳ سفیر افغانستان در ایالات متحده آمریکا. طوریکه همه ما اطلاع داریم خوشگذرانی در سفارت کشور مقیم واشنگتن برپا و درین مجلس سید طیب جواد سفیر و تعدادی از خانمها حضور داشتند و درین بزم سفیر در مستی و میگساری غرق بود. عده ی گفتند تصاویری از اعمال غیراسلامی، غیراخلاقی و غیرافغانی یک سفیر، در کشورش روزانه صدها خانه ویران، صدها زن بیوه و هزاران طفل یتیم می شوند. هزاران انسان اعم از مرد و زن و پیر و جوان و کودک در این ماه مبارک رمضان شب ها گرسنه می خوابند و بعضی ها حتی سققی هم بر سرخود ندارند، سفیر بزم آرای می نماید. چندی ازین ماجرا نگذشته بود که اکلیل حکیمی سفیر کبیر و نماینده فوق العاده در واشنگتن- ایالات متحده آمریکا، توسط هارون الکو مستشار آن سفارت مورد لت و کوب قرار گرفت.

وزارت خارجه تائید کرده که میان برخی از کارمندان سفارت کشور در واشنگتن، برخورد فیزیکی روی داده است. گفته می شد عبدالحی حیدر معین اداری وزارت امور خارجه توسط یک کارمند اش مورد لت و کوب قرار

گرفته است. میان معین اداری و کارمند دیگر به نام ملت مل برخورد فیزیکی روی داده و ملت مل بالای وی حمله کرده و وی را در دفتر کارش لت و کوب کرد. عبدالحی حیدر معاون اداری وزارت خارجه که زن پولندی دارد و خود نیز تابعیت آن کشور را دارا است، از جانب زلمی رسول به حیث سفیر تقرر حاصل نموده بود و همچنان تا رفتن به پست جدید امور وزارت را نیز پیش میبرد. در سابق کسی که تابعیت يك کشور دیگر را میداشت به عنوان دیپلمات در همان کشور مقرر نمی شد، چنین سفیران نمی توانند از مصونیت دیپلماتیک استفاده کنند.

ملت مل کارمند ریاست چارم سیاسی، کسی که عبدالحی حیدر، معاون اداری را بعد از دشنام های زیاد لت و کوب کرده می گوید که از ظلم حیدر به تنگ آمده و انتقام خود را گرفته است. همچنان لوی خرنوالی می گفت- عبدالحی حیدر معاون اداری وزارت خارجه به اتهام جرایم متعدد از جمله اختلاس، فساد اخلاقی و فریب کاری از طرف اداره مستقل مبارزه با فساد، سه ماه قبل جهت تحقیق به آن اداره معرفی گردیده است. اما اداره خرنوالی علت تاخیر این متهم را خواهش زلمی رسول وزیر اسبق عنوان کرده بود. گفته می شد که اتهام اختلاس نامبرده میلیون ها دالر را با ترتیب نمودن اسناد جعلی قرارداد تعمیر الحاقیه وزارت است.

شفیق که با هیچ زبان خارجی آشنائی نداشت و بقول دوستانش حتی مکتب را تمام نکرده و چون از اقوام نزدیک ملا فهیم بود، ناگهانی در برلین مقرر شد و در سفارت به استراحت و خوشگذرانی می گذراند. و همچنان با پشتیبانی سفیر در برلین شفیق در قاچاق الماس دخیل است.

عملکرد ها و چپاولگری های غیاث توخی از ابعاد فساد و ارتباطات نا سالم و نا مشروع بدون هرگونه معیار اخلاقی در وزارت در گزینش و گمارش کارمندان و دیپلماتان این وزارت پرده برداشت. همان توخی که نان را از حلقوم کارمندان و همکاران خویش در هنگام تصدی ریاست اداری وزارت خارجه می دزدید و در یک تیبانی با مقامات وزارت از مجموع سه لک افغانی پول ماهانه ماکولات، تنها سه لک آنرا ماهانه به جیب می زد. بحیث جنرال قنسل در ونکور کانادا از جانب زلمی رسول تقرر حاصل نمود.

دو دختر توریالی ویسا والی قندهار به حیث دیپلمات در نماینده گی های سیاسی در بیرون از کشور توظیف گردیدند. اخیراً یکی از دختران والی قندهار به صفت سکرتر در جاکارتای اندونیزیا و دختر دیگرش در تورنتوی کانادا مقرر شدند. ضمناً ملالی شینواری به عنوان سکرتر سفارت افغانستان در واشنگتن مقرر شده است. مقررری ها در وزارت خارجه روی مسایل سلیقوی و اعمال نفوذ قدرتمندان صورت می گیرد.

مقبول کاری ضرار احمد (مقبول) در وظیفه دیپلوماسی



ضرار احمد عثمانی در سال ۱۳۴۲ خورشیدی در قریه خواجه سیاران ولایت پروان متولد شد. دوره ابتدائی را در مکتب سید جمال الدین افغان به پایان رسانیده و وارد دوره متوسطه در مکتب تجربوی محمد عثمان خان پروانی و لیسه نعمان شد پس از آن وارد لیسه حبیبیه کابل گردیده و با فراغت از لیسه شامل پولتخنیک کابل شد و این موسسه تحصیلی را ناتمام گذاشت.

عثمانی متأهل و چهار فرزند دارد. عثمانی در سال ۱۳۷۲ به حیث قوماندان پولیس پروان توظیف گردید و در ماه سرطان سال ۱۳۷۷ خورشیدی در سفارت افغانستان در تهران به عنوان سکرتر اول توظیف گردید و پس از استقرار دولت مؤقت عثمانی به عنوان والی پروان انجام وظیفه نمود.

در سال ۱۳۸۴ به عنوان معین امنیتی وزارت امور داخله منصوب شد. عثمانی پس از رفتن زلمی رسول بسوی انتخابات به صفت وزیر امور خارجه معرفی و از مجلس نماینده گان رای اعتماد به دست آورد. ضرار هیچ انگلیسی نمی دانست و از معاشرت سیاسی اطلاعی نداشت و نزاکت های دیپلوماسی را نمی فهمد.

ضرار عثمانی ضعیف ترین نماد سیاسی بازمانده از دوران مصلحت بازی های کرزی است. اشرف غنی در یک مجلس از مقبل سوال کرده است که شما در کدام پوهنتون تحصیل کرده اید؟ تا مقبل پاسخی شبیه تنه پنه ارایه کند، غنی سرتکان داده و گفته است: حیف است که افغانستان مانند شما وزیر خارجه دارد. همچنان گفته میشد در آستانه ی برنامه ریزی سفر هیأت دولتی به چین، غنی از ضرار احمد مقبل خواسته بود که در باره کشور چین کمی معلومات بدهد اما وی ساکت مانده و طبق معمول، اشرف غنی را عصبانی ساخته و او را از دفتر بیرون کرده بود.

آنچه در باره وی مشهور است اینکه عثمانی مدارک تحصیلات عالی ندارد و بنا به گفته بسیاری از نزدیکانش، مدارک تحصیلی اش جعلی می باشد و او هیچگاه درجات عالی تحصیلی را طی نکرده است.

نکته دیگر اینکه در زمان وزارت داخله کوتاهی های فراوانی از نزدش مشاهده شد که در زمان وزارت مبارزه با مواد مخدر نیز ادامه یافت. در زمان وزارت وی در وزارتخانه مبارزه با مواد مخدر، کشت خشکاش به بالا

ترین حد ممکن خود در طول تاریخ افغانستان رسید که قطعاً نمی‌توان وی را در این باره مبرا از خطا دانست. حال اینکه وی چه زد و بندهای با مافیای مواد مخدر داشته یا نداشته، سخنی است که احتیاج به مدرک و سند و البته گذر زمان دارد

با آمدن ضرار احمد عثمانی به‌حیث وزیر خارجه، فقط در ظرف دو ماه، تقریباً ۳۰ تن را به‌شکل کارمند رسمی با امر فوق‌العاده در وزارت خارجه گماشته‌است.

این در حالی است که برای کارمندی که با پایان دوره‌ی ماموریت‌شان از سفارتخانه‌ها در خارج به مرکز بر می‌گردند، بست وجود ندارد. از طرف دیگر، کم از کم ۴۰ تن از کارمندان این وزارت که هر کدام بیش از ۳ سال تجربه کار و دارای اسناد تحصیلی لیسانس و ماستری می‌باشند، در این وزارت به‌حیث کمپیوتر کار یا کارمند خدمتی، اجیر و قراردادی کار می‌کنند، چرا که این کارمندان بی‌چاره واسطه ندارند و کمیشن کار نمی‌شناسند. شاید هم که این بی‌چاره‌ها تا اخیر سال بنا بر ازدحام مندوی که از جانب شخص وزیر ایجاد شده، از کار سبک‌دوش شوند.

افراد گماشته شده‌ی وزیر در حالی تعیین بست شده‌اند که به تعداد ۱۸۰۰ جوان با مشکلات فراوان، فوراً امتحان ورودی وزارت را اخذ نموده و امتحان را در اسد ۱۳۹۳ سپری نموده‌اند. از آن جمله، ۱۷۵ تن‌شان به دور نخست راه یافتند ولی تا به حال سرنوشت‌شان مبهم است و معلوم نیست که در دو دور ارزیابی بعدی چه خواهد شد؟

افراد تعیین شده با امر فوق‌العاده وزیر، مانند فرد وزیر در حال تغییر بست و مسلک هستند. جناب وزیر با آمدن به وزارت خارجه از وزارت مبارزه مواد مخدر، از ضرار احمد مقبل به ضرار احمد عثمانی تغییر نام کرد. بعضی از افراد گماشته شده‌ی وزیر برخلاف پیشینه رشته تحصیلی‌شان در بخش‌های فناوری معلوماتی (آی.تی) وزارت تعیین بست شده‌اند، با وجودی که هر کدام دارای سند فراغت از علوم سیاسی و ژورنالیزم هستند، ولی معلوم نیست که آیا سند اینان واقعی است یا تقلبی؟ ضرار احمد که خود از دیپلماسی بویی نبرده نواز شریف را رئیس‌جمهور پاکستان خطاب می‌کند، معلوم نیست که مقرری‌هایش در چه وضعیتی‌اند که در آخرین تحلیل نصب اینچنین افراد نافهم در وزارت خارجه باعث می‌شود که هر روز نمایندگی‌های سیاسی در خارج اقتضای بیافرینند که یک نمونه‌اش در سفارت افغانستان در واشنگتن به رسانه‌ها درز کرد. چند مثالی از مقرری‌ها و تغییر و تبدیل‌ها با امر وزیر قرار ذیل‌اند:

- تعیین بست فرهاد وفا به صفت سکرتر اول در بیجینگ .

بر اساس قوانین وزارت خارجه، وی که پیش از آن در ترکمنستان اجرای وظیفه می‌نمود، با اختتام دوره ماموریتش در خارج باید در مرکز وزارت به کارش ادامه می‌داد. اما بنابر شناختش با فرد وزیر، از یک کشور به کشور دیگر تعیین بست شد.

- رامش، خواهرزاده معین اداری،
 - احمد زمان، خواهرزاده سخنگوی وزارت،
 - شعیب، رییس پالیسی و استراتیژی
 - نجیب فهیم، معاون ریاست دفتر
 - وحدت، رییس آرشیف
 - فهیم کوهدامنی، در تشریفات وزارت
 - احمد شکیب مستغنی، سخنگوی وزارت
 - حامد حیدری، در گذشته نطق تلویزیون طلوع و خورشید، فعلا در آرشیف
 - احمد رشاد کوهستانی در تعمیر مرکزی کارمند رسمی.
- ادامه دارد . . .

Esalat.Org